

تحلیل گفتمان توسعه‌ی اقتصادی از دیدگاه خرده گفتمان‌های جمهوری اسلامی ایران

^۱ سید قائم موسوی

^۲ احمد آذین

^۳ مسعود جعفری‌نژاد

تاریخ وصول: ۹۸/۰۲/۰۶

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۸/۰۷

چکیده

در این تحقیق مفهوم توسعه‌ی اقتصادی از دیدگاه خرده گفتمان‌های جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی و نقد قرار گرفته است. برای سهولت کار جمهوری اسلامی به پنج دوره تقسیم شده است. دوره‌ی گذار، استقرار و تثبیت از پیروزی انقلاب تا انحلال حزب جمهوری اسلامی می‌باشد، دوره رحلت امام (ره) تا پایان دولت هاشمی، دوره دولت خاتمی، دوره‌ی دولت احمدی‌نژاد و دوره‌ی دولت روحانی را در بر می‌گیرد. ضمن شناسایی خرده گفتمان‌ها، چگونگی فراز و فرود آن‌ها بررسی شده و تلقی‌شان نسبت به توسعه‌ی اقتصادی تحلیل و نقد شده است. چارچوب نظری پژوهش گفتمان با خوانش لاکلائو و موفه است. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و با استفاده از فیش برداری کتابخانه‌ای است. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که مفهوم توسعه در هر خرده گفتمان بر مبنای سکولاریسم نظری و بسترهای هویتی، یکی از ابعاد آن برجسته شده و مابقی ویژگی‌های آن به عمد یا سهو نادیده گرفته و به حاشیه می‌رفت. دال‌های به محاق رفته، توسط گفتمان بعدی برجسته می‌شد و با دال‌های گفتمان مستقر مقابله می‌کرد. بر این اساس در هر کدام از مقاطع رویکرد به توسعه نگرشی تک بعدی و فاقد دیدگاهی جامع و همه جانبه نگر بوده است.

واژگان کلیدی: گفتمان، خرده گفتمان، توسعه‌ی اقتصادی، جمهوری اسلامی ایران.

۱- دانشجوی دکتری علوم سیاسی، واحد شهرضا، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرضا، ایران.

۲- استادیار گروه علوم سیاسی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران. (نویسنده مسئول).

dr.ahmadazin96@gmail.com

۳- استادیار گروه علوم سیاسی، واحد شهرضا، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرضا، ایران.

مقدمه

مفهوم توسعه از کلیدی‌ترین مفاهیم عصر حاضر است. این مفهوم آنقدر حایز اهمیت است که کشورهای دنیا را بر اساس آن رتبه‌بندی می‌کنند. کشورهای توسعه یافته، توسعه نیافته، کم‌تر توسعه یافته، در حال توسعه و ... نماد این طبقه‌بندی می‌باشد. اولین جرقه‌های رویارویی ایران با مظاهر ترقی و توسعه به زمان صفویه و ورود فرستادگان فرانسوی به دربار برمی‌گردد، اما با تجربه‌ی جنگ‌های ایران و روسیه و شکست‌های متعاقب آن، ضعف‌های داخلی، وضعیت اسفناک اقتصادی و ... از یکسو و مشاهده ترقی و توسعه دنیای غرب از سوی دیگر تفکر نوگرایی و توسعه در ایران شکل گرفت. مشخصاً از مشروطه به بعد، توسعه یکی از دغدغه‌های اصلی ایرانیان بوده و در هر دوره‌ای بنا به شرایط و اقتضات کشور، گروه‌ها و جریان‌های حاکم الگویی برای برون‌رفت از توسعه‌نیافتگی دنبال می‌کردند. با وجود نسخه‌های متعددی که از لحاظ تئوریک مطرح و عملیاتی گردیده‌اند، هیچ‌کدام نتوانسته‌اند ایران را از حلقه‌ی توسعه‌نیافتگی رها کنند.

در حالیکه رژیم پهلوی گذر از توسعه نیافتگی را در قالب «دولت توسعه‌گرای غیردموکراتیک» یا «توسعه‌ی آمرانه» دنبال می‌کرد، جمهوری اسلامی توسعه‌ی مدّ نظر حکومت پهلوی را از سنخ توسعه‌ی وابسته به غرب (برونزا) می‌دانست و به دنبال ارائه نسخه‌ای اصیل (درونزا) برای توسعه‌یافتگی ایران بوده است. بر اساس تئوری گفتمان در هر برهه‌ای خرده‌گفتمانی متولی سیاست‌های اجرایی جمهوری اسلامی بوده است، لذا خرده‌گفتمان‌های حاکم بر قدرت، الگوهای گوناگونی برای توسعه کشور ارائه و عملیاتی کرده‌اند، ولی با گذشت سال‌ها از طرح و عملیاتی کردن این الگوها هنوز ایران نتوانسته در سطوح مناسبی از توسعه و پیشرفت متناسب با فرهنگ و بسترهای تاریخی و اجتماعی خود قرار گیرد و همچنان نیاز به تحقیقات علمی و تخصصی بیش‌تری احساس می‌شود تا به تناسب موقعیت فعلی حساس کشور، بستر لازم برای توسعه اقتصادی فراهم گردد. به عبارتی با وجودیکه دهه‌های زیادی از شروع برنامه‌ریزی و حرکت به سمت توسعه در ایران می‌گذرد، ایران همچنان در زمره‌ی کشورهای در حال توسعه قرار دارد و حجم عظیم منابع انسانی، مالی و طبیعی هزینه شده با دستاوردهای کسب شده تناسبی ندارد. بر همین اساس ضرورت دارد الگوهای توسعه‌ای حاکم بر ایران مورد کنکاش و بررسی تحلیلی و انتقادی دقیقی قرار گیرد و آسیب‌های آن شناسایی و مرتفع گردد.

سوال اصلی پژوهش این است که الگوی خرده‌گفتمان‌های جمهوری اسلامی نسبت به توسعه اقتصادی ایران چه بود؟ پاسخ بهتر به این سوال مستلزم پاسخ به دو سوال دیگر می‌باشد، اینکه خرده‌گفتمان‌های جمهوری اسلامی کدامند و تاکنون کدام خرده‌گفتمان‌ها در راس قدرت قرار داشته‌اند؟ واقعیت این است که در تبیین چرایی عدم توسعه‌یافتگی ایران می‌توان دلایل متعددی را بر شمرد. در این پژوهش، سعی نویسندگان در وهله نخست، حول تبیین دلایل عدم شکل‌گیری توسعه در ایران بر اساس

تحلیل گفتمان توسعه‌ی اقتصادی از دیدگاه خرده گفتمان‌های جمهوری اسلامی ایران

نظریات جامعه‌شناختی مکاتب نوسازی، وابستگی و نظام جهانی است و در ادامه به پیشینه توسعه در ایران و تبیین خرده گفتمان‌های شکل گرفته حول توسعه اقتصادی در جمهوری اسلامی ایران بر اساس نظریه گفتمان خواهند پرداخت.

الف) مکتب نوسازی: این مکتب توسعه را برابر با رشد تعریف کرده و بر این فرض استوار است که دگرگونی اجتماعی یک فرایند خطی و شامل تبدیل جوامع کشاورزی سنتی به جوامع صنعتی مدرن است. از نظر این مکتب رشد اقتصادی قابل توجه و مستمر رخ نخواهد داد مگر اینکه یک دگرگونی رخ داده باشد. این دگرگونی شامل تغییرات در ارزش‌ها، در نهادهای اقتصادی و در بهره‌برداری از مواد خام و توسعه یک زیرساخت حمل و نقل و ارتباطات و همواره یک اقتدار سیاسی مؤثر و متمرکز است (حاجی یوسفی، ۱۳۷۷: ۷). مروجان نظریه‌ی نوسازی دلایل توسعه نیافتگی ایران را مرتبط با فرهنگ و هنجارهای ماقبل مدرن ایرانی می‌دانند. از دوگانه‌ی سنت- مدرنیته به عنوان ابزاری برای تحلیل توسعه نیافتگی ایران بهره می‌گیرند و ارزش‌های جامعه‌ی سنتی ایران را مانع توسعه می‌پندارند.

ب) مکاتب وابستگی و نظام جهانی: مکتب وابستگی از تقارن دو گرایش سنت مارکسیستی و ساختارگرایی آمریکای لاتین در زمینه توسعه ایجاد شده است. پیام اصلی مکتب وابستگی این بود که توسعه در اروپا توسعه نیافتگی فعال دنیای غیراروپایی را به همراه داشته است. نظریه نظام جهانی بیش از هر چیز، با امانوئل والرشتاین در مورد پیدایش اقتصاد جهانی سرمایه‌داری اروپایی سده شانزدهم مربوط می‌شود. برجسته‌ترین ویژگی وی توجه به انتخاب «نظام جهانی» به عنوان واحد تحلیل می‌باشد. از دیدگاه معتقدان به این مکاتب، وضعیت عقب‌ماندگی ایران را باید نتیجه فرآیند توسعه در کشورهای صنعتی غرب در نظر گرفت و سلطه سیاسی و اقتصادی بریتانیا و روسیه بر ایران طی قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم و سلطه آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم مانع توسعه اقتصادی ایران گردید (کتابی، ۱۳۸۳: ۶۷).

از پیروزی انقلاب اسلامی تا انحلال حزب جمهوری اسلامی سه خرده گفتمان ملی‌گرای محافظه کار، ملی‌گرای سکولار و چپ اسلامی (سنتی) هژمون شدند، از رحلت امام (ره) تا پایان دولت سازندگی خرده گفتمان راست اسلامی (سنتی)، از پایان دولت سازندگی به بعد سه خرده گفتمان چپ اسلامی (اصلاح طلبی)، اصولگرایی و اعتدال‌گرایی بر اریکه قدرت ایران مسلط شده‌اند که دو خرده گفتمان ملی‌گرای محافظه کار و ملی‌گرای سکولار به دلیل شکاف و اختلاف نظر با کارگزاران نظام به عنوان گفتمان‌های غیر از فضای انقلاب طرد شدند و نتوانستند یک استراتژی اصولی در زمینه‌ی اقتصادی از خود نشان دهند. پنج خرده گفتمان چپ اسلامی (سنتی)، راست اسلامی (سنتی)، گفتمان چپ اسلامی، اصولگرایی و اعتدال‌گرایی برای توسعه اقتصادی الگوهای اسلام‌گرایی، تعدیل ساختاری، توسعه سیاسی، عدالت محوری و توسعه‌گرایی را اجرا کردند. الگوی توسعه اقتصادی در هر خرده گفتمان بر مبنای سکولاریسم نظری و بسترهای هویتی هر

گفتمان بوده، یکی از ابعاد توسعه برجسته شده و مابقی خصایل آن به عمد یا سهو نادیده گرفته و به حاشیه می‌رفت. دال‌های به محاق‌رفته، توسط گفتمان بعدی برجسته می‌شد و با دال‌های گفتمان مستقر مقابله می‌کرد. بر این اساس در هر کدام از مقاطع الگوهای توسعه تک‌بعدی، یک‌جانبه‌نگر، تقابلی و دارای ماهیت متضاد بوده و از الگویی جامع و همه‌جانبه‌نگر در رنج بوده است.

پژوهش حاضر با هدف شناخت واقعی سیاست‌های خرده‌گفتمان‌های حاکم بر قدرت و الگوهای ارائه شده توسط آنها برای برون رفت از توسعه نیافگی و برجسته کردن نقاط قوت و ضعف آن‌ها به منظور اتخاذ تدابیر و تمهیدات جدید پیرامون توسعه‌ی اقتصادی ایران، تنظیم گردید.

روش

گفتمان لا‌کلاو و موفه مهم‌ترین نظریه در نسل سوم یا رویکرد پسا‌ساختارگرایانه به گفتمان است که اکنون یکی از پرکاربردترین رویکردهای گفتمانی در علوم اجتماعی و سیاسی است. از میان رویکردهای گفتمانی مذکور، رهیافت نظری لا‌کلا و موفه از قابلیت بیشتری برای تحلیل موضوع تحقیق حاضر برخوردار است. همچنین این نظریه قابلیت روشی بیش‌تری نسبت به سایر رویکردهای گفتمانی دارد، زیرا با استخدام مفاهیمی چون مفصل‌بندی و چگونگی جذب و دفع مفاهیم در یک گفتمان و تحولات گفتمان‌ها از طریق بی‌قراری‌های ایجاد شده در آن‌ها، به خوبی نشان می‌دهد که عناصر فکری یک اندیشه در قالب یک گفتمان، چگونه صورت‌بندی می‌شوند و تحول آن‌ها در تقابل با دیگر گفتمان‌ها چگونه است (فیروزآبادی، ۱۳۹۵: ۱۰۵). اصطلاح «تحلیل گفتمان» به کاوش سخن، آنالیز و بررسی کلام، تحلیل گفتار و گفتمان پژوهی ترجمه شده است. البته هیچ توافق جامعی پیرامون چپستی گفتمان و نحوه عملکرد و تحلیل آن و نیز توافق عامی در باب تحلیل گفتمان وجود ندارد.

از دیدگاه «لا‌کلا» و «موفه» «گفتمان» مجموعه و ساختار مفصل‌بندی از نشانه‌هایی است که حول «دال مرکزی» در حال گردش است. گفتمان اگر چه مولود متن است، اما تنها در زمینه اجتماعی معنا پیدا می‌کند و بر حسب زمان و مکان تغییر می‌کند و در نتیجه امکان اتصال متن به جامعه فراهم می‌گردد. در داخل متن، مجموعه‌ای از مؤلفه‌ها وجود دارد که به نحوی تثبیت شده با یکدیگر مرتبط بوده و در کنار هم کلیتی تشکیل می‌دهند که گفتمان خوانده می‌شود. آن‌ها این رابطه تثبیت شده میان مؤلفه‌ها را «مفصل‌بندی» می‌نامند. داخل گفتمان، یک یا تعداد معدودی از عناصر نقش مرکزی و بنیادی دارند که گرانیگاه گفتمانی را تشکیل می‌دهند و از آن‌ها به عنوان «گره‌گاه» نام برده می‌شود. «دال برتر» در مرکز ثقل گفتمان قرار می‌گیرد و سایر عناصر و مفاهیم در حول این مرکز با یکدیگر مفصل‌بندی می‌شوند (کتابی، ۱۳۹۳: ۶۷).

تحلیل گفتمان توسعه‌ی اقتصادی از دیدگاه خرده گفتمان‌های جمهوری اسلامی ایران

لذا بر مبنای تئوری گفتمان، باید گفت که پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ تحول ساختاری در سیاست داخلی و خارجی ایران بر پایه رویکرد گفتمانی به وجود آورد. به گونه‌ای که تاکنون گفتمان‌های مختلفی بر جمهوری اسلامی ایران حاکم شده‌اند و با حاکمیت هر یک از این گفتمان‌ها، رفتار و راهبرد ایران در زمینه توسعه اقتصادی نیز دستخوش تغییر و تحول شده است و الگوی خاصی مطابق با آن گفتمان در عرصه توسعه اقتصادی ظهور کرده است (جعفری، ۱۳۹۵: ۹۶). روش تحقیق پژوهش حاضر اینگونه است که ابتدا خرده گفتمان‌های ایران شناسایی، سپس چگونگی فراز و فرود آن‌ها مطرح گشته و پس از آن نشانه‌ها و دال‌های گفتمان مستقر تجزیه و تحلیل شده و در آخر تلقی آن‌ها نسبت به توسعه اقتصادی در بوته‌ی بررسی و نقد قرار گرفته است. جامعه‌ی آماری این پژوهش مجموعه‌ی سیاست‌های توسعه‌ای جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. جامعه مورد مطالعه خرده گفتمان‌های جمهوری اسلامی ایران از آغاز شکل‌گیری یعنی دولت موقت تا دولت روحانی را در برمی‌گیرد. حجم نمونه پژوهش شامل سیاست‌های توسعه‌ای دولت‌های حاکم بوده است. برنامه و استراتژی‌های توسعه‌ای خرده گفتمان‌ها به عنوان نمونه مد نظر قرار گرفته است. نمونه‌گیری نیز از نوع نمونه‌گیری آسان و در دسترس و روش گردآوری اطلاعات بصورت کتابخانه‌ای بوده است. روش تجزیه و تحلیل پژوهش نیز کیفی و به شکل توصیفی و در بخش‌هایی تبیینی بوده است. همچنین در قسمت‌هایی به صورت ضمنی از تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای نیز استفاده شده است مشخصاً هنگامی که دال‌ها و نشانه‌های خرده گفتمان‌های مسلط و رقیب در کشاکش مشروع جلوه دادن خود و طرد رقیب سعی در هژمونی خود داشته‌اند.

یافته‌ها

انقلاب اسلامی باعث فروپاشی ساختار بسته‌ی نظام پادشاهی و ورود نیروهای سیاسی مختلف به عرصه‌ی سیاست ایران گردید. بشیریه چهار بلوک از نیروها و احزاب سیاسی را بدین گونه مطرح می‌کند: احزاب لیبرال دموکراتیک، احزاب و گروه‌های بنیادگرا، احزاب و گروه‌های رادیکال اسلام‌گرا و احزاب و گروه‌های هوادار سوسیالیسم (بشیریه، ۱۳۸۱: ۸۱).

فضای استعاری اوایل انقلاب و رهبری کاریزماتیک امام خمینی (ره) باعث اجماع نیروهای متضاد شد و با افزایش ازجاکندگی‌ها و بحران‌های گفتمان رژیم حاکم، بهترین زمان برای براندازی آن بود. پیروزی ضد گفتمان انقلابی و فروپاشی گفتمان شاهنشاهی مصادف با نقطه پایان اتحاد مصلحتی و انفجار تنش‌ها و آتش‌های زیر خاکستر بود. از این به بعد هر گروهی به دنبال تثبیت قدرت خود در انقلاب بودند. «دو طیف لیبرال و مذهبی در جهت دستیابی به مناصب رسمی قدرت و اثرگذاری بر تحولات آتی موفق‌تر عمل کردند» (بهرز لک، ۱۳۸۹: ۱۳۵).

رقابت بر سر چگونگی شکل‌دهی به هژمونی جدید باعث رقابت شدید شد و وضعیت اجتماعی جامعه به مثابه میدان سیاسی برای خودنمایی گفتمان‌های رقیب تبدیل گردید. «هنوز آتش انقلاب فروکش نکرده بود که خرده‌گفتمان‌های سکولارمشرک و لیبرال‌منش بازرگان و بنی‌صدر روی کار آمدند. این خرده‌گفتمان‌ها به عنوان گفتمان‌های «غیر» از فضای انقلاب طرد شدند» (خورسگانی، ۱۳۹۴: ۵۶-۵۵).

اختلاف نگرش بین خرده‌گفتمان‌های مذهبی نیز به نوبه خود باعث شد که نیروهای مذهبی به گروه‌ها و جریان‌های مخالف تبدیل شوند. «نخستین خرده‌گفتمانی که پس از پیروزی گفتمان اسلام‌گرا روی کار آمد گفتمانی است که می‌توان از آن با نام «چپ سنتی» یاد کرد» (ایزدی، ۱۳۹۲: ۵۴). طی سال‌های دهه‌ی شصت نیروهای سنتی با دو گرایش راست سنتی و چپ سنتی از هم منفک شدند. درحال حاضر همین دو دستگی در ساحت سیاسی جامعه وجود دارد هر چند در گذر زمان نام‌های مختلفی به آن‌ها بار شد. در اینجا احزاب و خرده‌گفتمان‌های انقلاب اسلامی از ابتدا تاکنون به چهار دوره تقسیم می‌شوند. از ریاست جمهوری یازدهم و دوازدهم به عنوان دوره پنجم یاد می‌شود اگرچه این دوره را نمی‌توان به طور کامل توضیح داد.

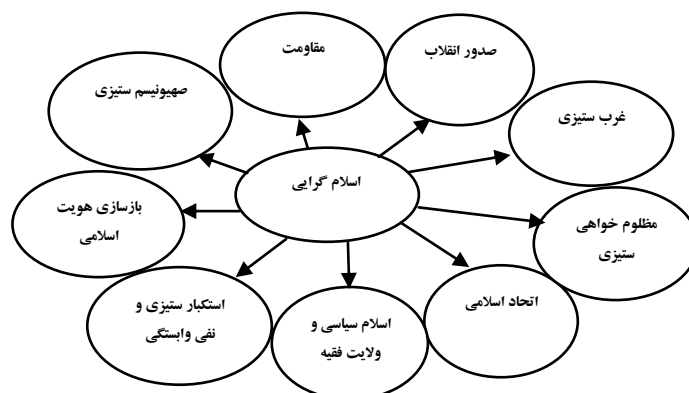
دوره اول: این دوره که می‌توان آن را دوران گذار و تثبیت نامید، از سال‌های اول انقلاب تا سال ۱۳۶۶ را شامل می‌شود و سه مقطع را نیز در بر می‌گیرد؛ دوره‌ی دولت موقت بازرگان، دوره ریاست‌جمهوری بنی‌صدر و دوره‌ی دفاع مقدس.

اولین خرده‌گفتمان حاکم، بخشی از نیروهای اسلام‌گرای لیبرالی و ملی-مذهبی یعنی نهضت آزادی بود. با تصویب قانون اساسی، گفتمان «اسلام فقهتی» و اسلام سنتی توانست در ابتدا دولت موقت را به حاشیه براند و با تثبیت خود وارد مرحله طرد گفتمان‌های رقیب گردید اما آن‌ها حاضر به ترک عرصه سیاست نبودند. بنابراین فرآیند منازعه‌های گفتمانی هم‌چنان ادامه پیدا کرد. فرآیند طرد و مقاومت تا پاییز ۱۳۶۰ و به حاشیه راندن دومین گروه ملی-مذهبی یا «اسلام‌گرایان لیبرال» ادامه یافت (حسین زاده، ۱۳۸۹: ۳۲۳).

با سقوط بنی‌صدر این گفتمان در پهنه سیاست ایران هژمون شد. این هژمون یابی در سطح برون‌گفتمانی بود و بعد از آن رقابت به درون گفتمان انتقال یافت. پس از بیرون راندن رقبا به تدریج غیریت‌سازی میان خود گروه‌های اسلامی فعال‌تر شد و نیروهای اسلام‌گرا متوجه رقابت‌های درون‌گروهی شدند. نخستین جرقه‌های این شکاف ابتدا در درون سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، سپس در حزب جمهوری اسلامی و در نهایت در سال ۱۳۶۷ جمعی از روحانیون متمایل به جناح چپ از جامعه روحانیت مبارز انشعاب کرده و مجمع روحانیون مبارز را تأسیس کردند. با این انشعاب، مرزبندی کاملی میان دو جریان چپ و راست روحانیون حاکم شکل گرفت. آنچه به چپ و راست در دهه اخیر اشتها دارد حاصل انفکاک‌های اولیه است و دیگر خرده‌گفتمان‌های عمده ایران حول همین دو جناح شکل گرفتند. تعارض‌ها و نگرش‌های چالشی که در درون این

تحلیل گفتمان توسعه‌ی اقتصادی از دیدگاه خرده گفتمان‌های جمهوری اسلامی ایران

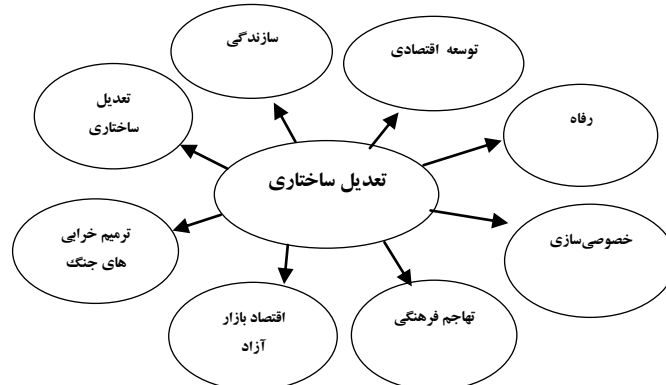
گفتمان به وسیله زنجیره هم ارزی پنهان شده بود، منجر به شکل‌گیری خرده گفتمان‌هایی شده است که برآمدن هر کدام برآیند ضعف‌های گفتمان پیشین است. هرگفتمان با مفصل بندی و معنادگی به نشانه‌های فراموش شده گفتمان یا گفتمان‌های پیشین توانسته است بر سپهر سیاست ایران مسلط شود. بواسطه جبهه‌گیری گفتمان انقلاب بویژه گفتمان اسلام‌گراها در مقابل غرب و نفی گفتمان‌های لیبرالیسم، کاپیتالیسم و سوسیالیسم، این گفتمان با توسعه و توسعه اقتصادی متناسب با فرهنگ امپریالیسم سر سازگاری نداشته‌اند. از نظر آن‌ها هر نوع توسعه‌ای باید به طور کامل متأثر از آموزه‌های اسلامی باشد. وجود چنین تفکری در کنار بروز جنگ عملاً همه نگاه‌ها را به سمت جنگ و بحران‌های ناشی از آن برد. بنابراین می‌توان توسعه را از جمله دال‌های شناوری در نظر داشت که در دوره اول مورد غفلت کامل قرار گرفتند و کم‌ترین میزان توسعه در این دوران مشاهده می‌شود.



شکل (۱): خرده گفتمان چپ اسلامی

دوره دوم: با انحلال حزب جمهوری اسلامی در سال ۶۶-۱۳۶۵ شروع می‌شود. پایان جنگ و رحلت امام در این دوره از نظر سیاسی شکاف بالقوه میان نیروهای حاکم را عملی کرد و پس از جنگ سه رکن فرهنگ، سیاست و اقتصاد دچار چرخش شد و انسجام گفتمان انقلاب فرو ریخت (ازغندی، ۱۳۸۱: ۱۶). در این دوره که انقلاب از مرحله تثبیت گذشته بوده؛ مسائل اقتصادی زمینه اصلی رقابت در کشور قرار گرفت. مفصل‌بندی گفتمان انقلاب که با محور سیاست آرمان‌گرایانه شکل گرفته بود تغییر کرد و حول دال مرکزی توسعه اقتصادی، دال‌های شناور عمل‌گرایی، تأمین منافع ملی و سازش‌پذیری و واقع‌گرایی نشستند. گفتمان سازندگی چون دال معنابخش در آن توسعه اقتصادی بود، نظم معنایی آن برای معنا دادن به سایر دال‌ها بر

مقوله اقتصادی تأکید داشت (حسینی‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۷۵). با روی کار آمدن جریان راست به ویژه در دولت سازندگی تمامی فعالیت‌های جناح چپ حول تقابل با سیاست‌های اقتصادی این دولت ساماندهی شد.



شکل (۲): خرده‌گفتمان تعدیل اقتصادی

دوره سوم: این دوره، نتیجه مستقیم بی‌قراری‌ها و نابسامانی‌های گفتمان سابق بود، از جمله این بی‌قراری‌ها می‌توان به اوضاع و شرایط نابسامان اقتصادی، رکود، تورم و آشفتگی در بازار، سرخوردگی نسبتاً شدید مردم از وضعیت موجود، ناتوانی گفتمان غالب در حل بحران‌های جامعه، نداشتن ظرفیت لازم برای تدوین، تنظیم و مفصل‌بندی نشانه‌های خود اشاره کرد. نیروهای گفتمان جناح چپ تا حد زیادی گفتمان تکنوکراتیک دولت هاشمی را از عوامل شکست سنگین خود و خارج شدنش از صحنه سیاسی جامعه می‌دانست (خواجه سروی، ۱۳۸۲: ۳۴۸).

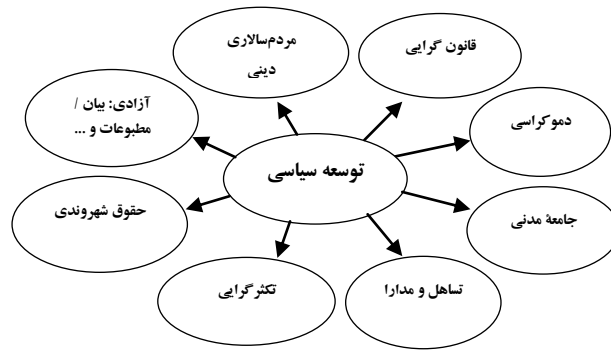
فضای موجود بر سال‌های آخر دوره دوم باعث شد، ضدگفتمان چپ بتواند بسیاری از نشانه‌هایی که در سطح جامعه حالت شناور داشتند، را به سمت خود بکشاند و از این طریق پیروز میدان سیاست شود، گفتمان حاکم را طرد کند و به حاشیه قدرت براند. «در فرآیند ناکامی گفتمان سازندگی، دال توسعه سیاسی توسط گفتمان دوم خرداد از فضای گفتمان‌گویی آزاد شد و در مرکز آن نشست» (خوراسگانی، ۱۳۹۵: ۵۷).

دال مرکزی اصلاحات مفهوم توسعه سیاسی است که از جمله مهم‌ترین دال‌های شناور و تثبیت نشده‌ای بود که در دو دوره قبل، گفتمان‌های غالب نتوانستند آنها را درگفتمان خود فضا دهند. بعد از پیروزی و تدوین نظام معنایی جدید توسط این گفتمان، شکل‌ها و خرده‌گفتمان‌هایی همسو با خود تأسیس کردند (امیری، ۱۳۸۸: ۳۱۳).

تحلیل گفتمان توسعه‌ی اقتصادی از دیدگاه خرده گفتمان‌های جمهوری اسلامی ایران

مهمترین نشانه‌ها و مفاهیمی که این گفتمان بوسیله آنها نظم گفتمانی خود را معنا بخشید عبارت بودند از دموکراسی، مردم‌سالاری دینی، تکثرگرایی، جامعه مدنی، حقوق شهروندی، تساهل و مدارا، آزادی مطبوعات و قانون‌گرایی.

گفتمان تعدیل ساختاری با بکارگیری یک سیاست نامتوازن تمام ظرفیت‌های جامعه را در راستای بهبود توسعه اقتصادی بکار گرفته بود، گفتمان اصلاحات هم نتوانست از این سیاست نامتوازن فاصله بگیرد، در این هم دوره بیش‌تر توجهات به بعد سیاسی بود و بعد توسعه اقتصادی خیلی کم‌تر مورد توجه بود. در این دوره جامعه به یک «چرخش گفتمانی» شدید مواجه می‌شود. به این معنا که توسعه سیاسی جایگزین توسعه اقتصادی در اولویت اصلی نخبگان حاکم قرار می‌گیرد علی‌رغم اینکه پیروزی گفتمان چپ و شکست گفتمان تعدیل نتیجه «تحولات اجتماعی و اقتصادی» در دوره قبل بود (دلفروز، ۱۳۹۳: ۲۵۳).



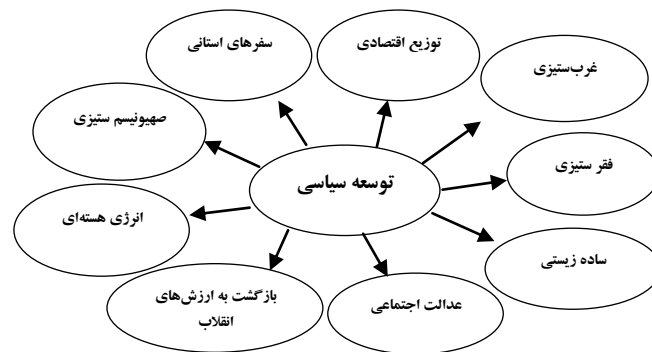
شکل (۳): خرده گفتمان اصلاحات

این چنین مواردی باعث شد مجموعه گسترده‌ای از بی‌قراری‌ها و آشفتگی‌ها در جامعه بوجود بیاید. گفتمان حاکم نتوانست قابلیت اعتبار گفتمانی خود را مشروعیت و عمومیت بخشد و از این طریق مشکلات را حل کند. این ناتوانی در حل بحران‌ها و آشفتگی‌ها گفتمان را به درد سر انداخت و ناتوانی منطق هم‌ارزی آن را برای ایجاد اتحاد و همبستگی درون گفتمان، نشان می‌داد. این چنین بود که در نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری این گفتمان از ضدگفتمان راستگرایی شکست می‌خورد و به حاشیه رانده می‌شود.

دوره چهارم: گذشت زمان ناسازهای نظری و فقدان انسجام درون منطقی گفتمان اصلاحات را نشان داد. مخالفان از این نقطه‌ی ضعف بهره برده و پادگفتمان آن را فراهم ساختند. فقدان اجماع عمومی میان اصلاح طلبان، ایده‌ی عبور از گفتمان تردید در اصول بنیادین گفتمان از سوی اصلاح طلبان، و ... باعث تقلیل

اقبال اجتماعی و ادبار عمومی مردم نسبت به گفتمان اصلاح طلبی و پیروزی گفتمان جدیدی با عنوان اصول‌گرایی با محوریت عدالت گردید (خلجی، ۱۳۸۶: ۲). اولین نشانه‌های شکست گفتمان دوم خرداد در انتخابات شوراهای شهر در دومین دوره در سال ۱۳۸۱ ظاهر گشت، آنها تمام کرسی‌های شورای شهر تهران را از دست دادند، احمدی نژاد را شهردار تهران شد و زمینه‌ی پیروزی اش در رقابت ریاست جمهوری نیز فراهم گردید. در کوران ناتوانی جریان‌های چپ و راست برای توافق بر کاندیدای واحد، آرای انتخابات پراکنده شد و انتخابات ریاست‌جمهوری برای نخستین بار به دور دوم کشیده شد. رقابت دور دوم را احمدی نژاد برنده شد (آهنگر، ۱۳۹۳: ۱).

دال مرکزی این گفتمان مفهوم «عدالت خواهی» است. آن‌ها تمام معانی نظری خود را حول این مفهوم مفصل‌بندی کردند. پیرامون این مفهوم نشانه‌های متعددی مانند ساده‌زیستی و پرهیز از تجمل‌گرایی، خدمت‌گذاری، فقرستیزی، توزیع درآمدها، عدالت اجتماعی، مبارزه با مفاسد اجتماعی، مبارزه با اشرافیت، سفرهای استانی، بازبینی در ارزش‌های انقلاب، بازبینی در رابطه با غرب، غرب‌ستیزی و استکبارستیزی، بومی‌گرایی شکل گرفتند و این گفتمان نظام معنایی خود را حول آن‌ها مفصل‌بندی کرد.



شکل (۴): خرده‌گفتمان اصولگرایی

نشانه مهم دیگری این گفتمان فقرستیزی بود. با برجسته‌سازی این مفهوم تلاش داشتند به کمک برنامه‌هایی مانند مسکن مهر، سهام عدالت، صندوق مهر امام رضا، طرح هدفمندی یارانه‌ها، مبارزه با اشرافیت و سفرهای استانی و آشنایی با مسائل مردم از نزدیک، بحران‌ها و نابسامانی‌ها بخصوص در زمینه توسعه اقتصادی را از سر راه بردارند و ضمن کاستن از موانع توسعه اقتصادی، پیشرفت و رشد لازم را بدست

تحلیل گفتمان توسعه‌ی اقتصادی از دیدگاه خرده گفتمان‌های جمهوری اسلامی ایران

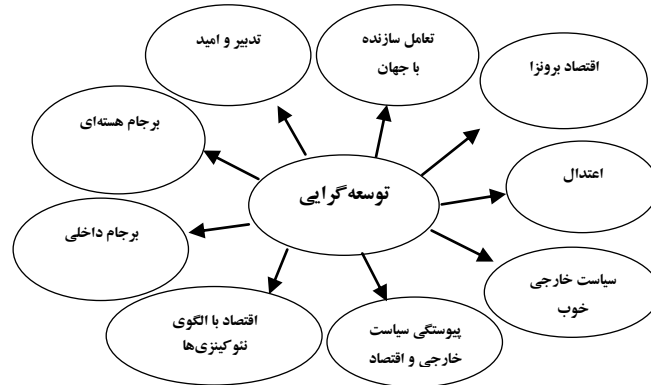
آورند. از نظر آن‌ها جامعه ایران در همه‌ی زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی این توانایی را دارد که با تکیه بر نیروهای درونی و نخبگان فکری زمینه‌دستیابی به توسعه را فراهم کند.

در انتخابات مجلس نهم با به حاشیه رفتن گفتمان اصلاح‌طلب، این گفتمان نیز دچار انشقاق گردید که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: جبهه متحد اصولگرایان و جبهه پایداری. مواضع طرفین نسبت به حوادث پس از انتخابات ۸۸ و حلقه‌ی نزدیک احمدی نژاد مورد انتقاد یکدیگر قرار گرفته است (آهنگر، ۱۳۹۳: ۱).

دوره‌ی پنجم: آشفتگی‌ها و بی‌قراری‌های گفتمان اصولگرایی باعث طرد و از بین رفتن هژمونی آن در سطح جامعه شد و برنده‌ی انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۳۹۲ کاندیدای تدبیر و امید بود. دال مرکزی روحانی اعتدال بود. خیلی‌ها قائل به گفتمان نامیدن رویه‌ی دولت ایشان نیستند و با مطالعه‌ی نشانه‌های آن، تلفیقی از دال‌ها و عناصر گفتمان بازسازی اقتصادی و اصلاحات و حتی گفتمان اصولگرایی معتدل مشاهده می‌شود. با این وجود برآورد دیدگاه‌های روحانی و اطرافیان‌ش نشانگر مبانی نظری این دولت است. عدم‌تمایز میان مبانی علوم و دانش‌ها، باور به امکان اقتباس ایدئولوژی لیبرالیسم، خطی دیدن روند توسعه و پیشرفت، معرفی مکتب نئوکینزی‌ها به‌عنوان الگوی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران، برونزایی اقتصادی به روش دنگ شیائوپینگ، گره زدن سیاست خارجی به اقتصاد، تعامل سازنده با جهان از جمله نشانه‌های این گفتمان می‌باشند.

بر خلاف این دیدگاه عده‌ای معتقدند «گفتمان اعتدال یک ریشه و تبار تاریخی در ایران دارد، به علاوه آنکه این گفتمان بعد از انقلاب نیز یک روند سیاسی را در مقابل دو جریان چپ و راست دنبال می‌کرد، همیشه جریان سومی وجود داشت بین اصولگرایان و اصلاح‌طلبان مطرح بود» (صالحی امیری، ۱۳۹۵: ۱). کانون و دغدغه‌ی اساسی دولت روحانی توسعه‌گرایی است. ایشان می‌گویند: «خیلی مهم است که تابلوی ما در همه‌ی کارها توسعه باشد».

صالحی امیری گفتمان اعتدال را تهی از نشانه‌های منفی گفتمان‌های گذشته می‌داند. ایشان وجوه منفی گفتمان ارزش‌ها (گفتمان دولت موسوی) را تصلب‌گرایی می‌داند. شکاف طبقاتی، آسیب‌های اجتماعی و چالش‌های فرهنگی وجوه منفی دوره‌ی سازندگی هستند. وجوه منفی گفتمان اصلاحات ساختارشکنی مدعیان اصلاح طلبی بود. عدالت مطرح شده توسط «احمدی‌نژاد» صرفاً یک شعار و فاقد چارچوب عملیاتی مشخص بود، دغدغه‌های اقتصادی معیار تنظیم تعامل با دنیای خارج است «اگر ما سیاست خارجی و امنیت ملی را اقتصادی تعریف کنیم، خود به خود با اتکاترین راهبرد بازدارندگی را به ارمغان آورده‌ایم» از نظر وی سیاست خارجی خوب سیاستی است که بتواند تهدیدی را رفع یا منفعتی را کسب نماید. سیاست خارجی یعنی راه و روش سلوک با دنیا که در نتیجه‌ی آن یا تهدیدی کاسته و یا منفعتی عاید کشور شود (صالحی امیری، ۱۳۹۵: ۱).



شکل (۵): خرده‌گفتمان اعتدال

بحث و نتیجه‌گیری

از منظر تحلیل گفتمان، دال توسعه در بستر گفتمان‌های مختلف مدلول‌های گوناگونی دارد. به عبارتی، هیچ رابطه‌ی ماهوی و ذاتی بین دال و مدلول توسعه وجود ندارد. در باب تحول معنی و مفهوم توسعه، می‌باید هویت هر گفتمانی که داعیه‌ی توسعه دارد، مورد مذاقه قرار گیرد تا مفصل‌بندی و دال مرکزی و دال‌های شناور هر گفتمان درباره توسعه مشخص شود. تحلیل گفتمان نشان می‌دهد، در هر گفتمان، چه مفاهیمی از توسعه معتبر و چه مفاهیمی نامعتبر قلمداد می‌شود (نوذری، ۱۳۹۱: ۵۸).

آنچه، در چند دهه بعد از انقلاب اسلامی، در خصوص توسعه برجسته و مشخص است، منازعه‌ی گفتمان‌های رقیب داخل نظام جمهوری اسلامی درباره‌ی معنا و مفهوم توسعه و روش اجرایی آن است. سحابی معتقد است «در اوایل انقلاب، جو مبارزه و انقلاب و به اصطلاح امروز، جو ایدئولوژیک حاکم بود و کم‌تر کسی به جنبه‌های کارشناسی واقعیت‌های اقتصادی-اجتماعی و عدد و رقم توجه داشت» (احمدآمویی، ۱۳۸۳: ۱۰).

در این دهه (دهه ۶۰)، هر آنچه با توسعه به معنای رشد اقتصادی پیوند داشت، مانند بخش خصوصی، انباشت سرمایه، سرمایه‌دار، برنامه‌ریزی، بازار آزاد و مفاهیمی از این دست نابهنجار تلقی و از ادبیات گفتاری و کرداری حذف شدند. توسعه هم مطرود و مردود بود. اقتصاد در قلمرو توزیع، معنی پیدا می‌کند. تمرکز بیش‌تر روی قیمت‌گذاری کالا و خدمات و شیوه اداره کوپنی اقتصاد و کنترل قیمت‌ها و توزیع بود (روغنی زنجانی، ۱۳۸۵: ۱۵۰). «چالش بسیار بزرگی برای کارشناسان در دهه اول انقلاب به وجود آمد. آن‌ها به یک باره با تفکری مواجه شدند که معتقد بود که برنامه‌ریزی خلاف توکل و اراده خداوند است» (نیلی، ۱۳۸۵: ۲۴۲).

برآمدن گفتمان چپ اسلامی تا اندازه‌ی زیادی واکنش به نشانه‌های گفتمان لیبرال دولت موقت بود «استراتژی دولت بازرگان تجلی اندیشه لیبرال کلاسیک بود» (برزین، ۱۳۷۴: ۲۷۲). افزون بر گفتمان لیبرال اسلامی، دوران هژمونی چپ اسلامی دوران رویارویی میان این گفتمان و گفتمان راست‌سنتی بوده است. پایه‌ای‌ترین حوزه‌های ناهمخوانی میان این دو گفتمان را باید در مباحث اقتصادی و زاویه‌ی دید به دین، فقه و اختیارات ولایت فقیه جست. در برابر گفتمان چپ که به دخالت گسترده دولت در اقتصاد، محدودیت مالکیت و کوچک تر کردن بخش خصوصی باور داشت، گفتمان راست به آزادسازی اقتصادی، محترم بودن مالکیت و عدم دخالت گسترده‌ی دولت در تجارت خارجی و انحصاری نبودن بازرگانی خارجی باور داشت. (ایزدی، ۱۳۹۵: ۵۵). برجسته‌ترین موارد اختلافی میان گفتمان چپ اسلامی و شورای نگهبان، در مقام نماینده گفتمان راست سنتی، در لوایح بازتوزیعی دولت نمود یافت. سرانجام همین اختلافات نیز زمینه‌ساز تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام شد (ظریفی، ۱۳۷۴: ۶۵).

با این وجود «زرمه‌هایی از اواسط دهه شصت درباره سودمندی توسعه و سازوکارهای اقتصادی شروع شد، به نحوی که پس از جنگ هشت‌ساله، توسعه و اقتصاد قدرتی مجدد به دست آوردند، به گونه‌ای که چنین وانمود شد نمی‌توان از توسعه‌رهایی یافت، مگر به بهایی گزاف» (جمشیدی‌ها، ۱۳۹۳: ۳۶).

نشانه‌های گفتمان چپ اسلامی در حوزه‌ی اقتصاد حول دو نشانه‌ی عدالت اجتماعی و اقتصاد دولتی مفصل‌بندی شده بود. چپ اسلامی از گونه‌ای سوسیالیسم اسلامی هواخواهی می‌کرد که در آن دولت اقتصاد را در کنترل خود داشت. گفتمان سازندگی، نظام معنایی از توسعه را شکل می‌دهد که در تقابل با شرایط توسعه در زمان جنگ شکل می‌گیرد. این گفتمان با تأکید بر دال‌های رشد اقتصادی و برنامه ریزی که در اوایل انقلاب و شرایط ویژه، به علت وقوع جنگ، به حاشیه رانده شده بود، {را} برجسته کرد و از این منظر، سعی در گسترش روحیه‌ی تولید و کار در جامعه داشت (نوذری، ۱۳۹۱: ۷۲).

سراغاز نشانه شناختی گفتمان اقتصاد آزاد را باید در حوزه‌ی گفتمان‌گونی چپ اسلامی یعنی گفتمان حاکم در دهه‌ی شصت دانست. هدف اصلی «رشد اقتصادی و سازندگی بود که برای تأمین این مهم کابینه سازندگی تشکیل شد. اعضای این کابینه را تکنوکرات‌هایی تشکیل می‌دادند که با رویکردی کمتر ایدئولوژیک سعی می‌کردند به شکل واقع‌گرایانه، سیاست و اقتصاد را تعریف کنند. از این رو پیگیری رشد اقتصادی در حوزه داخلی سرلوحه‌ی برنامه‌های دولت جدید قرار گرفت» (ازغندی، ۱۳۸۱: ۱۶).

رشد اقتصادی و خصوصی‌سازی در زمان جنگ به طور کلی از صحنه توسعه‌ی ای و اقتصادی کشور حذف شدند. معنا و مفهوم توسعه در گفتمان جدید حول رشد اقتصادی و تولید ثروت می‌چرخید. «از اواسط دهه هفتاد، زمانی که ارزش‌هایی مانند مشارکت مردمی، جامعه مدنی و سازوکارهای توسعه سیاسی شناخته و توسعه با چنین طرز تلقی‌هایی همراه شد، گفتمان رشد لیبرالی کاملاً به حاشیه رانده شد - نه به معنای

فراموشی‌ساز و کارهای اقتصادی مانند رشد اقتصادی- به این معنا که دال‌های اصلی گفتمان جدید این بار نه اقتصادی بلکه فرهنگی و سیاسی بودند. پس حقیقت توسعه به چیزی غیر از رشد اقتصادی تعلق گرفت. این نگرش حاکم شد که حقیقت پیشرفت در توسعه سیاسی نهفته است» (ازغندی، ۱۳۸۱: ۳۹).

«گفتمان اصلاحات با واسازی و شالوده شکنی گفتمان سازندگی، به گفتمان مسلط تبدیل شد و دال آزادی، یک استراتژی دقیق و ظریفی بود که این گفتمان به خوبی از آن بهره برد. این نکته که باید ببینیم مردم چه می‌خواهند و چه می‌گویند و با خواسته‌های مردم همراه باشیم و توسعه از رهگذر مشارکت مردم به دست می‌آید، استراتژی گفتمان اصلاحات بود که به استحاله و واسازی گفتمان مسلط سازندگی منجر شد (نوذری، ۱۳۹۳: ۷۴).

«بنده وقتی به عرصه انتخابات وارد شدم، توسعه سیاسی را به عنوان محوری ترین برنامه ی خود مطرح کردم. اکنون هم معتقدم که توسعه در اقتصاد خلاصه نمی‌شود. من اعتقادم بر این است که توسعه بدون توسعه‌ی سیاسی، اولاً ابتر و ثانیاً ناموفق است؛ یعنی بدون توسعه سیاسی، حتی در زمینه ی اقتصاد هم نمی‌توانیم پیشرفت کنیم» (خاتمی: ۱۳۷۷).

سیاست‌های تعدیل به نوعی فشار بر روی اقشار ضعیف وارد کرده بود. «از آنجا که گفتمان توسعه سیاسی نتوانست خلاء دال توزیع منابع را در مفصل‌بندی خود تحت پوشش قرار دهد، دال خالی فوق، دال مرکزی گفتمانی شد که توانست جای گفتمان توسعه سیاسی را در عرصه قدرت و توسعه پر کند و آن را به حاشیه براند» (جمشیدی‌ها، ۱۳۹۳: ۴۴).

بنابراین از دهه هشتاد، شرایط به گونه‌ای پیش رفت که توزیع ناعادلانه منابع و منافع مورد توجه قرار گرفت. این بار چنین نگرشی حاکم شد که سازوکارهای اقتصادی و توسعه سیاسی از فقر و طرد اجتماعی بخش عمده ای از جامعه ممانعت نکرده، در نتیجه انحصار اقتصادی و سیاسی بزرگی بوجود آمده است. «ما دنبال توسعه نیستیم، بلکه دنبال تعالی هستیم. امروز باید ایران را با سرعت بسازیم، آن هم بر پایه‌ی ارزش‌های انسانی. اقتصاد ما باید اقتصادی پاک و دلسوز باشد و اگر غیر از آن باشد، اقتصاد ما نیز هم‌چون دیگر کشورها خواهد بود» (احمدی نژاد: ۱۳۸۸).

ایشان در جایی دیگر می‌گوید: «ما می‌خواهیم هم ثروت تولید کنیم و هم درست توزیع کنیم. ما می‌گوییم پیشرفت کشور همراه با عدالت امکان‌پذیر است. ما می‌گوییم عدالت یعنی توزیع ثروت» (احمدی نژاد: ۱۳۸۸). «بحث درباره‌ی عدالت (توزیع منابع و فرصت‌ها) به کلمات و سخنرانی‌ها محدود نشد و در جامعه به شکل هدفمندی یارانه‌ها ادامه یافت. در دهه اول انقلاب، یارانه عدالت تلقی می‌شد و شرایط جنگی نیز به انتخاب چنین راهبردی دامن می‌زد، اکنون همه یارانه‌ها نه تنها ناعادلانه تلقی می‌شوند، بلکه مانع بزرگی در راه

تحلیل گفتمان توسعه‌ی اقتصادی از دیدگاه خرده گفتمان‌های جمهوری اسلامی ایران

توسعه هستند. گفتمان توزیع نولیبرالی، آزادسازی قیمت‌ها و سپس توزیع منابع حاصل از این آزادسازی‌ها را ریشه توسعه می‌داند» (نوذری، ۱۳۹۳: ۶۲).

مفصل بندی توسعه متحول شد، دوباره استراتژی جدید و کاملاً متفاوتی پیشنهاد شد که شیوه‌ی نگاه به توسعه، به مثابه توزیع منابع را دنبال کرده است. گفتمان عدالت، با گزاره‌های گوناگون و دال‌های گفتمان‌های سازندگی و اصلاحات و در واکنش به آن‌ها معنا و مفهوم مورد نظر خود از توسعه را شکل داد. «احمدی‌نژاد به توسعه سیاسی و توسعه اقتصادی که دال‌های مرکزی گفتمان اصلاحات و سازندگی هستند، حمله می‌کند و آن‌ها را توسعه وارداتی می‌داند. او مدعی است از آنجایی که مدل تئوریک دو گفتمان قبل را به زور به خورد مردم داده‌اند، به توسعه کشور منجر نشده است؛ بنابراین دو گفتمان دیگر مربوط به مردم و از بطن مردم نیست و با جمله «شما از ملت فاصله گرفته اید، شما ملت را خانواده و اطرافیان و هم‌حزبی‌هایتان می‌دانید» سعی در برجسته‌سازی عدم شمولیت توسعه‌ی گفتمان‌های غیر و شمولیت و عمومیت گفتمان عدالت دارد (نوذری، ۱۳۹۳: ۷۲).

گفتمان اصولگرایی یا نومحافظه کار در بهترین خوانش «برخاستن گفتمان دهه‌ی نخست جمهوری اسلامی از خاستگاه راست» بوده است (ایزدی، ۱۳۹۲: ۶۶). انگاره‌ی «عدالت اجتماعی» دال مرکزی این گفتمان را در مسئله اقتصاد تشکیل می‌داد. توجه بیش از حد به توزیع درآمدی و عدم توجه جدی به تولید نقطه ضعف اساسی این گفتمان بود که باعث به زیر کشیدن آن توسط رقیبانش گردید.

بعد از انقلاب گفتمان‌های توسعه در رابطه و غالباً در دشمنی با همدیگر به توسعه، هویتی متفاوت و اغلب متضاد داده‌اند. عنصر تعیین‌کننده تحولات توسعه پس از انقلاب مناقشه تئوریک بوده است. در حوزه‌ی توسعه پس از انقلاب، معادله‌ی ما و آن‌هایی صورت گرفته است. تقابلی که کاملاً همدیگر را طرد می‌کنند و هویت خود را در حذف دیگری می‌یابند. علاوه بر این توسعه امری سیاسی است. سیاسی به معنای انتخاب یک شیوه از توسعه و طرد سایر معانی و شیوه‌ها. هر انتخابی از مفهوم توسعه، سیاسی و محل مجادله است (جمشیدی‌ها، ۱۳۹۳: ۴۶-۴۷).

سرانجام اینکه گفتمان کلان انقلاب اسلامی به عنوان گفتمان رقیب شاهنشاهی بعد از منازعه‌های گوناگون هژمونی آن را خدشه دار کرده و با مفصل بندی نشانه‌هایش پیرامون ضدیت با نهاد سلطنت و بهره‌برداری از حوزه‌های گفتمان گونگی نظام شاهنشاهی و در دسترس قراردادن خود؛ نظام پادشاهی را طرد و حذف کرد و تبدیل به گفتمان هژمون شد. گفتمان مذکور متنوع و متفاوت بوده و بواسطه پنهان کردن اختلاف‌هایش از طریق زنجیره‌ی هم‌ارزی و همچنین استفاده از فضای استعاره‌ی اوایل انقلاب توانست موفقیت خود را عملی کند. اما بعد از پیروزی تمایزهای گفتمان انقلاب بر اساس منطق تفاوت‌ها باعث چالش در میان نیروهای انقلابی گردید. رقابت از سطح برون گفتمانی به حوزه‌ی داخلی کشیده شد و چهار گفتمان،

ملّی و ملّی مذهبی، چپ گرایان و التقاطی به نزاع با یکدیگر پرداختند. تا سال ۱۳۶۰ میانه‌روهای لیبرال در دو مقطع دولت را در دست گرفتند. دولت موقت مهندس بازرگان و ریاست جمهوری بنی‌صدر. درگیری‌ها و خصومت‌ها باعث طرد نیروهای سه‌گانه از جانب نیروهای اسلام‌گرا شد. این نزاع‌ها با سقوط بنی‌صدر به پایان رسید و گفتمان اسلام‌گرا به صورت گفتمان هژمون درآمد. مهمترین شاخصه نظام نوپا، انگاره‌ی ولایت فقیه بود. طرد میانه‌روهای محافظه‌کار و لیبرال‌های مدرن رقابت را به درون نیروهای مکتبی کشاند با این تفاوت که موضوع منازعه از مسائل سیاسی به مسائل اقتصادی تغییر ریل داد. مفاهیم عدالت، اقتصاد دولتی متمرکز، آزادی و مالکیت خصوصی سرآغاز اختلاف نظر گروه‌های درون حاکمیت شد که سرچشمه‌ی دو طیف چپ و راست شده است. گروه‌ها و جریان‌های سیاسی کنونی ماحصل قطب‌بندی اولیه‌ی آنان می‌باشد. اولین خرده‌گفتمان حاکم بعد از طرد رقبا خرده‌گفتمان چپ اسلامی است. گفتمان سازندگی در نقد، اعتراض و نقض گفتمان قبل از خود استیلا یافت و با مطرح کردن دال‌های خالی آن و بهره‌وری از حوزه‌ی گفتمان گونگی آن هشت سال تلقی خود از توسعه‌ی اقتصادی را اجرایی کرد. خرده‌گفتمان اصلاحات با نقد رویکردهای یکجانبه‌ی سازندگی به توسعه با طرد آن خود را در دسترس قرار داد و به گفتمان هژمون تبدیل شد. در دولت اصلاحات نیز توسعه به صورت تک بعدی دنبال شد و صرفاً ساحت سیاسی آن برجسته و مابقی چهره‌های آن به حاشیه رفت. آنچه در این خرده‌گفتمان به حاشیه رفت توسط خرده‌گفتمان اصولگرایی برجسته شد و با توسل به دال‌های مغفول مانده در آن دولت، توسعه را به توزیع منابع اختصاص داد. این تلقی نیز یکجانبه استمرار یافت و دولت اعتدال با برجسته‌سازی نقاط ضعف آن خود از گفتمان رقیب به گفتمان هژمون ارتقاء یافت. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که مفهوم توسعه در هر خرده‌گفتمان بر مبنای سکویای نظری و بسترهای هویتی اش، یکی از ابعاد آن برجسته شده و مابقی ویژگی‌های آن به صورت ارادی یا غیرارادی مغفول شده و به حاشیه رفته است. دال‌های به محاق رفته توسط گفتمان بعدی برجسته می‌شد و دال‌های گفتمان مستقر را سرکوب می‌کرد. تجارب حاکمیت خرده‌گفتمان‌های بعد از انقلاب یعنی خصومت و منازعه‌ی میانه‌روهای محافظه‌کار و لیبرال‌های مدرن با نیروهای مذهبی؛ رویارویی خوانش عدالت‌خواهی خرده‌گفتمان چپ اسلامی با راست اسلامی؛ تجربه‌ی تثبیت و تعدیل دولت سازندگی؛ محوریت توسعه‌ی سیاسی در دولت اصلاحات؛ ظهور خرده‌گفتمان اصولگرایی با اصل توزیع منابع نشانگر یک اصل مبنایی و اصولی هست بر این اساس که در هر کدام از مقاطع رویکرد به توسعه نگرشی تک‌بعدی، ساده‌انگارانه، حذفی و دارای ماهیت متضاد بوده و از عدم نگاهی جامع و همه‌جانبه‌نگر در رنج بوده است. تنش‌های سیاست خارجی و تأثیرگذاری عاملی بنام تحریم‌ها نیز در به سرانجام نرساندن پروسه‌های توسعه‌ای خرده‌گفتمان‌ها بی‌تأثیر نبوده است. در واقع چالش‌های سیاست خارجی بخش قابل توجهی از منابع توسعه‌ای دولت‌ها، قدرت جذب سرمایه‌های خارجی و همچنین برنامه‌های عادی آن‌ها را دچار اختلال اساسی می‌کرد.

تحلیل گفتمان توسعه‌ی اقتصادی از دیدگاه خرده گفتمان‌های جمهوری اسلامی ایران

منابع

- ازغندی، علیرضا. (۱۳۸۱). سیاست خارجی ایران، تهران: نشر قومس.
- احمدی‌نژاد، محمود. سخنرانی ۱۳/۰۹/۱۳۸۴ و ۲۰/۰۲/۱۳۸۸.
- احمدی‌امویی، بهمن. (۱۳۸۳). اقتصاد سیاسی جمهوری اسلامی، چاپ دوم، تهران: گام نو.
- امیری، جهاندار. (۱۳۸۸). لیبرالیسم ایرانی: بررسی جریان‌های راست در ایران. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ایزدی، رجب، رضایی‌پناه، امیر. (۱۳۹۲) مبانی اجتماعی و اقتصادی تحول در گفتمان‌های سیاسی مسلط در جمهوری اسلامی ایران، جستارهای سیاسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال چهارم، صص ۷۴-۴۷.
- آهنگر، عباسعلی، سلطانی، علی‌اصغر، خوشخونزاد، امیرعلی. (۱۳۹۳). تحلیل گفتمانی انشقاق جریان اصولگرا به خرده‌گفتمان‌های جبهه‌ی پایداری و جبهه‌ی متحد اصول‌گرایی در انتخابات ۱۳۹۰، مجله‌ی پژوهش‌های زبان‌شناسی، سال ششم، شماره اول، صص ۱۵-۱.
- برزین، سعید. (۱۳۷۴). زندگینامه سیاسی مهندس مهدی بازرگان، چاپ سوم، تهران: نشر مرکز.
- بشیریه، حسین. (۱۳۸۱). دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی ایران دوره جمهوری اسلامی ایران، تهران: مؤسسه نگاه معاصر.
- بشیریه، حسین، (۱۳۷۸). جامعه مدنی و توسعه سیاسی در ایران، تهران: مؤسسه نشریه علوم نوین.
- بهروز لک، غلامرضا، صفایی‌زاده، مرضیه. (۱۳۸۹). جریان‌شناسی تحولات سیاسی - فکری در جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال هفتم، شماره ۲۳، ۱۶۴-۱۳۳.
- سریع‌القلم، محمود. (۱۳۹۱). عقلانیت و توسعه‌یافتگی ایران، چاپ سوم، نشر فرزانه روز.
- دلفروز، محمدتقی. (۱۳۹۳). دولت و توسعه اقتصادی: اقتصاد سیاسی توسعه در ایران و دولت‌های توسعه‌گرا، تهران: آگاه.
- ربانی‌خوارسگانی، علی و میرزایی، محمد. (۱۳۹۴). تحلیل تقابل گفتمانی اصولگرایی و اصلاح‌طلبی در دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری. جامعه‌شناسی کاربردی، شماره ۶۰ (۴۵-۶۸).
- خاتمی، سید محمد، سخنرانی ۰۳/۰۹/۱۳۷۷.
- خلجی، عباس. (۱۳۸۶). ناسازه‌های نظری و ناکامی سیاسی گفتمان اصلاح‌طلبی، رساله دکتری دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال شانزدهم، شماره شصت و دوم، پاییز ۱۳۹۸

- خواجه‌سروی، غلامرضا. (۱۳۸۲). رقابت سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران.
- حاجی یوسفی، امیرمحمد. (۱۳۷۷). دولت و توسعه اقتصادی در ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، دوره اول، پاییز. (۲۰۶-۱۷۹).
- حسینی‌زاده، محمدعلی. (۱۳۸۹). اسلام سیاسی ایران، قم، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه مفید.
- غلامرضا جمشیدی‌ها و حمزه نوذری. (۱۳۹۳). تحولات معنای توسعه پس از انقلاب اسلامی ایران؛ از طرد توسعه تا معنابخشی‌های متفاوت به آن، دوره‌ی ششم / شماره ۱ / از ص ۲۵ تا ۴۸.
- صالحی‌زاده، عبدالهادی. (۱۳۹۰). درآمدی بر تحلیل گفتمان میشل فوکو: روش‌های تحقیق‌های کیفی. معرفت فرهنگی اجتماعی، سال دوم، شماره سوم (۱۴۱-۱۱۳).
- ظریفی‌نیا، حمیدرضا. (۱۳۷۵). کالبدشکافی جناح‌های سیاسی ایران، تهران: آزادی اندیشه.
- نوذری، حمزه، کریمی، علیرضا. (۱۳۹۱). بررسی معنا و مفهوم توسعه پس از انقلاب اسلامی ایران از منظر تحلیل گفتمان، مطالعات جامعه‌شناختی (علمی - پژوهشی)، شماره ۵۷ و ۵۸.

-<http://www.magiran.com/npview.asp?ID=1581990>

- http://q-b.ir/download/18-Negahi_be_mabani_nazari_dolate_yazdahom.pdf

- www.etedaal.ir ۸۰۰۵۴ کد خبر: ۱۳۹۲/۰۲/۳۰

- <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1062757>.